



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۵/۲۲

بررسی تاثیر مدیریت کلاس درس بر انگیزه یادگیرندگان

فاطمه بیاتی^۱، زینب نوروزی^۲، نرگس طاهری^۳، الهه گندمکار تتماع^۴

۱- کارشناسی فلسفه دانشگاه آزاد واحد تهران شمال

۲- کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه آزاد واحد شهرری

۳- کارشناسی کامپیوتر دانشگاه فراز تهران

۴- کارشناسی حسابداری دانشگاه علمی کاربردی تهران

fatemeh_biaati@gmail.com

چکیده

اگرچه تصور معلم به عنوان یک نظم دهنده ممکن است ناخوشایند به نظر برسد، اما تصور معلم به عنوان یک محرک و یک مدیر اصلاً ناخوشایند نیست. معلم مؤثر، محرکی است با برنامه برای ایجاد انگیزه و مدیری با برنامه برای مدیریت. معلمان کارآمد همچنین می‌توانند در صورت بروز رفتارهای نادرست یادگیرندگان یا مشکلات انضباطی را برطرف کنند. با پیروی از این خط فکری، معلمان مؤثر برنامه‌هایی برای نظم و انضباط دارند. آنها نه تنها چنین برنامه‌هایی دارند، بلکه می‌دانند چه زمانی و چگونه از آنها با موفقیت استفاده کنند. انگیزه یادگیرندگان زمانی افزایش می‌یابد که معلمان کلاس‌هایی را ایجاد کنند که در آن یادگیرندگان در مرکز همه فعالیت‌های یادگیری باشند. این یک کلاس درس متمرکز بر مهارت است. کلاس درس متمرکز بر تسلط با سه جزء مهم مشخص می‌شود: معلم، محیط یادگیری و یادگیری. فرآیندهایی که می‌توانند رفتار یادگیرنده را برانگیخته و آغاز کنند، به رفتار جهت و هدف ببخشند، به تداوم رفتار کمک کنند و به یادگیرنده در انتخاب یک رفتار خاص کمک کنند و یا انرژی بخش یا فعال کننده رفتار، جهت دهی به رفتار و تداوم رفتار تنظیم کننده. در این بررسی به نقش کیفیت مدیریت کلاس درس بر انگیزه یادگیرندگان به روش تحلیلی توصیفی پرداخته شده است.

کلمات کلیدی: انگیزه، کلاس درس، مدیریت، معلم، هنرآموز، مدیر.

مقدمه

اصول و اصول حاکم به روشن شدن انتظاراتی که معلمان از یادگیرندگان خود دارند کمک می‌کند و بیان روشن حتی چند قاعده مهم رفتاری می‌تواند به پیشگیری از بسیاری از مشکلات رفتاری و انضباطی یادگیرندگان کمک کند. یادگیرندگان نباید به روش‌های خاصی رفتار کنند یا صرفاً به عنوان پاسخی به سیستم کنترلی که معلم ایجاد کرده است تنظیم شوند. با در نظر گرفتن محیط کلاس درس و با توجه به انگیزه و علاقه یادگیرندگان، معلمان باید در کار خود فعال و پویا باشند و بتوانند انتظاراتی را که از یادگیرندگان خود دارند به وضوح تعریف و انتقال دهند. تنها در این صورت است که بحث مدیریت بهینه در کلاس به صورت ثمربخش عملی می‌شود که افزایش انگیزه و روحیه در یادگیرندگان همچنین کاهش مشکلات عدیده کلاسی را در پی خواهد داشت (Kohn, 2011).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مشکلات مربوط به مدیریت بهینه کلاس و انگیزش یادگیرندگان باید با در ارتباط با هم در نظر گرفته شوند نه اینکه به عنوان مسائل مجزا و منزوی باشند. چگونگی مواجهه با مشکلات مدیریتی در کلاس و ایجاد انگیزه در یادگیرندگان به عنوان یکی از مهم ترین چالش های معلمان پیش از خدمت یا کسانی که برای ورود به حرفه معلمی آماده می شوند، شناسایی شده است. مفهوم نظم و انضباط نیز به عنوان چیزی است که معلم همواره در چگونگی مدیریت بهینه کلاس به آن مشغول می باشد. معلمان مبتدی در بسیاری از چالش های مشترک مانند توانایی حفظ نظم کلاسی، ایجاد انگیزه و رغبت به درس در یادگیرندگان، سازگاری با تفاوت های بین یادگیرندگان و توانایی کنترل بهینه این تفاوت ها، ارزیابی مناسب فعالیت یادگیرندگان، ارتباط با والدین و ایجاد روابط مثبت، با معلمان دیگر سهیم هستند. در بحث یادگیری و یاددهی به یادگیرندگان، معلمانی که به خوبی برای یادگیری، ایجاد انگیزه و مسئولیت های مدیریتی آماده هستند، نسبت به معلمانی که آمادگی لازم و کافی کلاسی را ندارند، مشکلات کلاسی کمتری دارا هستند. انگیزه شامل فرآیندهایی که می تواند رفتار یادگیرنده را برانگیخته و آغاز کنند، به رفتار آنها جهت و هدف ببخشند، به تداوم رفتار کمک کنند و به یادگیرندگان در انتخاب یک رفتار خاص کمک نمایند و یا روحیه بخش یا فعال کننده رفتار باشند اطلاق می شود.

بهترین تمرین در اصل انگیزش و مدیریت

معلمانی که می توانند انگیزه و یادگیری یادگیرندگان را به حداکثر برسانند، در عین حال، سبب به حداقل رسیدن رفتارهای نادرست یادگیرندگان می شوند. با توجه به این اصل، رابطه بین تمرین موثر در تدریس و تمرین موثر در انگیزش و مدیریت را نمی توان نادیده گرفت. چرا که معلمان مدیر و با برنامه مؤثر در مقایسه با معلمان ناکارآمد معمولاً مشکلات انضباطی کمتری برای رسیدگی دارند. دلیل آن چندان پیچیده نیست و پاسخ به این سؤال در :

الف) نگرش معلم،

ب) آمادگی همیشگی

پ) توانایی مدیریت کلیت محیط یادگیری

ت) ارائه معنادار و مرتبط است.

یاددهی به یادگیرندگان معلمانی که به خوبی برای یادگیری، ایجاد انگیزه و مسئولیت های مدیریتی آماده هستند، نسبت به معلمانی که آمادگی کلاسی ندارند، آسان تر بوده و مشکلات کلاسی کمتری در پی خواهد داشت. مشاهده شده است که نیمی از آنچه یک معلم در یک روز انجام می دهد قبل از خروج معلم از خانه تعیین می شود. سه چهارم آنچه انجام خواهد شد قبل از ورود معلم به در مدرسه تعیین می شود (Van and Davis, 2006). آماده بودن کلید موفقیت برای هر معلمی است. مشخصه معلمان کارآمد این است که اتاقتشان آماده باشد، کارشان آماده باشد و خودشان آماده باشند

در یک مطالعه کلاسیک، کونین شناسایی کرد که معلمان مؤثر اساساً هیچ تفاوتی با معلمان ناکارآمد در توانایی آنها در پاسخگویی و مقابله با رفتار نادرست یادگیرندگان پس از وقوع سوء رفتار ندارند. با این حال، تفاوت های قابل توجهی در رفتار معلمان مؤثر و ناکارآمد قبل از وقوع رفتار نادرست آشکار است. کونین دریافت که این رفتار مستمر معلمان در اجرای دستوراتشان است که تعیین می کند که آیا آنها مؤثر هستند یا ناکارآمد. پژوهش کونین اشاره کرد که معلمان ناکارآمد به سادگی برای تمام آنچه از آنها انتظار می رفت یا لازم بود در کلاس هایشان رخ دهد، آمادگی کامل نداشتند. این عدم آمادگی منجر به سردرگمی شد، سردرگمی منجر به عدم اطمینان، عدم اطمینان منجر به پیام های مختلط با عدم وضوح در ارتباط و درک انتظارات شد و همه اینها در مجموع منجر به رفتار نادرست یادگیرندگان شد. معلمان ناکارآمد، تقریباً هر روز، بیشتر و بیشتر استرس زا، بی نظم، ناامید، منفی باف می شدند و دیگران را مسئول مشکلاتی می دانستند که تجربه می کردند. کونین نتیجه گرفت که کلید حفظ کلاس های درس منظم در توانایی معلم برای مدیریت رفتار نامناسب یادگیرنده پس از وقوع آن



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نیست، بلکه در توانایی معلم برای جلوگیری از بروز مشکلات رفتاری در وهله اول نهفته است. این مشاهدات منجر به تفکیک مفهوم مدیریت کلاس درس شد که نشان‌دهنده سیستم سازمان‌یافته معلم و استراتژی‌های مورد استفاده برای ایجاد و حفظ یک محیط یادگیری منظم است و نظم مفهومی که نشان‌دهنده واکنش‌های معلم به رفتار نادرست یادگیرنده و روش‌های برخورد با آن است (Leiferman, 2008).

اکثر کتاب‌های درسی روش تدریس شامل بخشی‌هایی در مورد نیاز معلم به آمادگی و آمادگی در هنگام ورود به کلاس درس می‌باشد. آماده بودن برای تدریس مکرر با توجه به برنامه ریزی معلم برای یادگیری دروس به یادگیرندگان مورد بررسی قرار می‌گیرد. اصطلاح طرح اغلب در زمینه برنامه معلم برای یادگیری استفاده می‌شود. با این حال، مهم است که این چشم‌انداز را به سمت برنامه ریزی گسترش دهیم تا چیزی بیش از برنامه یادگیری معلم را شامل شود. برای پیگیری کلاس درس با مدیریت خوب و یادگیرندگان با انگیزه، چهار نوع برنامه باید در نظر گرفته شود. اینها مال معلم هستند:

- ۱- طرح یادگیری.
- ۲- طرح انگیزشی.
- ۳- طرح مدیریت.
- ۴- طرح انضباط.

معلمان با تجربه برای بسیاری از چیزها، برخی قابل پیش‌بینی و برخی غیرمنتظره، که در کار تدریس نقش دارند، آماده هستند. کلاس درس معلم با تجربه و مدبر آماده است، فعالیت‌های یادگیری معنادار آماده است و یادگیرندگان با ورود به کلاس آماده یادگیری هستند. معلمان کارآمد از طریق اقدامات و برنامه‌ریزی‌های قبلی خود به قدری آماده هستند که می‌توانند از بروز بیشتر رفتارهای نادرست یادگیرندگان، قطعاً جدی‌ترین رفتارهای نادرست، جلوگیری کنند. شاید خیلی ساده به نظر برسد. دلیل مؤثر بودن معلمان مؤثر این است که آنها مشکلات رفتاری یادگیرنده کمتری دارند و در نتیجه بهتر می‌توانند یادگیرندگان خود را به کار (درگیر شدن)، ماندن در کار و موفقیت وادار کنند. به نوبه خود، معلمان مؤثر استرس کمتری را متحمل می‌شوند، زیرا مجبورند با مشکلات رفتاری کمتری مقابله کنند. آنها می‌توانند هر روز مدرسه را ترک کنند، زیرا در مقایسه با معلمانی که کارآمدتر هستند و از کار خود احساس رضایت بیشتری می‌کنند. نتایج کونین در طول سالها توسط سایر مربیان و محققان تأیید شده است.

مدیریت

اقداماتی که معلمان برای ایجاد محیطی انجام می‌دهند که هم یادگیری آکادمیک و هم یادگیری اجتماعی-عاطفی را پشتیبانی و تسهیل می‌کند. همچنین تمام کارهایی که معلم برای سازماندهی یادگیرندگان، فضا، زمان و مواد انجام می‌دهد تا یادگیری در محتوا و یادگیری یادگیرنده امکان‌پذیر باشد (Ratcliff et al., 2012). علاوه بر این بروفیدر این خصوص مدیریت را اینگونه تعریف می‌کند؛ اقدامات معلم برای ایجاد یک محیط یادگیری که تعامل اجتماعی مثبت، مشارکت فعال در یادگیری و خودانگیختگی را تشویق می‌کند (Brophy, 2004). همچنین تعریف جدید و دیگری از آن ارائه شده است که عبارت است از؛ استفاده از اصول و رویه‌ها برای حفظ نظم به طوری که یادگیری ممکن است منجر شود و یا اقدامات معلم برای ایجاد یک محیط یادگیری که تعامل اجتماعی مثبت، مشارکت فعال در یادگیری و خودانگیختگی را تشویق می‌کند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

معلمان مدبر به عنوان عوامل انگیزه در کلاس

هنگامی که به ویژگی های معلمان کارآمد فکر می کنیم، کیفیت های مختلفی به ذهن خطور می کند. معلمان مدبر و با تجربه سازماندهی شده، انعطاف پذیر، دانش عمیقی از موضوعاتی که تدریس می کنند، در ارتباطات خود روشن، وظیفه مدار، مشتاق و پرنرژی و در کار خود پویا هستند. چنین معلمانی توانایی ایجاد محیط های یادگیری مثبت را دارند که در آن یادگیرندگان فعالانه درگیر یادگیری خود هستند. آنها یادگیری و یادگیری یادگیرندگان خود را با ایجاد جو مثبت در کلاس های خود غنی می کنند. جو مدرسه شامل احساساتی است که یادگیرندگان و کارکنان نسبت به محیط مدرسه دارند (پیترسون و اسکیا، ۲۰۰۱). این احساسات به میزان احساس راحتی هر یادگیرنده در محیط مربوط می شود و اینکه آیا هر یادگیرنده معتقد است که محیط از یادگیری، تدریس، سازماندهی مناسب و ایمن است یا خیر. محیط های راحت و حمایتی به ایجاد پایه ای برای یادگیری و یادگیری مؤثر و همچنین رفتار و نگرش مثبت یادگیرندگان کمک می کند. تحقیقات یادگیری نشان می دهد که معلمان مؤثر قادر به ایجاد انگیزه در یادگیرندگان و ایجاد محیط های یادگیری مثبت و انگیزشی هستند. مهمتر از همه، معلمان مؤثر در رویکردهای خود به تدریس، انگیزشی هستند. محدودیت اصلی در کمک به یادگیرندگان برای دستیابی به ظرفیت ثابتی نیست که آنها با خود به کلاس درس یا مدرسه می آورند، بلکه با توجه به میزانی است که آنها به طور هدفمند درگیر کار روی یادگیری و پیشرفت خود هستند. این همچنین شامل درجه ای است که معلمان آنها به طور فعال در کمک به آنها درگیر هستند. تلاش برای دستیابی به موفقیت شامل تجربیاتی با شیوه های یادگیری مؤثر، مشارکت فعال از سوی یادگیرنده، الگوبرداری از سوی معلم و پاداش است. استرنبرگ (۱۹۹۹) مدلی را برای توسعه تخصص و پیشرفت در یادگیرندگان با عناصر کلیدی زیر شناسایی کرد: (۱) مهارت های فراشناختی، (۲) مهارت های یادگیری، (۳) مهارت های تفکر، (۴) دانش، و (۵) انگیزه. همه این عناصر وابسته به زمینه یادگیری است که در کلاس درس ایجاد شده است. برای این عناصر، انگیزه حیاتی است. در نبود انگیزه هیچ اتفاقی نمی افتد. انگیزه به رشد مهارت های فراشناختی کمک می کند که سپس بر رشد مهارت های یادگیری و تفکر تأثیر می گذارد. مهارت های یادگیری و تفکر بازخوردی را برای توسعه بیشتر مهارت های فراشناختی فراهم می کند و سطح درک یادگیرنده را افزایش می دهد. انگیزه در این فرآیند نقش اساسی دارد.

معلمان زمانی در امر مدیریت کلاس درس با انگیزه می توانند پیش روند که دارای ویژگی های زیر باشند:

الف) اثربخشی تدریس شخصی: این باور که معلمان می توانند تأثیر مثبت و مهمی بر یادگیری یادگیرندگان داشته باشند. هر چه بیشتر به این باور شود، بیشتر اتفاق خواهد افتاد.

ب) الگوسازی و اشتیاق: معلمان اطلاعاتی را با اشتیاق ارائه می کنند که منجر به افزایش خودکارآمدی یادگیرنده، اسناد تلاش و توانایی، اعتماد به نفس و موفقیت می شود و از طریق رفتارهای خود مدل های یادگیری مثبت را به نمایش می گذارند یا طرح می کنند.

پ) مراقبت: معلمان با آنها همدلی می کنند و برای حفاظت و توسعه یادگیرندگان خود سرمایه گذاری می کنند.

ت) انتظارات مثبت: انتظارات معلم به وضوح با پیشرفت یادگیرنده مرتبط است و بخشی از پیشگویی خودشکوفایی می شود. انتظارات معلم بر تعامل با یادگیرندگان تأثیر می گذارد. معلمان با یادگیرندگانی که معتقدند موفقیت آمیز هستند، متفاوت با یادگیرندگانی که معتقدند کم موفق هستند، رفتار می کنند.

دستورالعمل هایی جهت مدیریت کلاس درس

الف) تمرکز مقدماتی: شروع درس معلم توجه یادگیرندگان را به خود جلب می کند و یک چارچوب مفهومی برای درس بعدی فراهم می کند.

ب) شخصی سازی: درس ها و موضوعات معلم از نظر شخصی معنادار و از نظر فکری و/یا عاطفی مرتبط است.

پ) مشارکت: میزان مشارکت مستقیم یادگیرندگان در یک فعالیت. مشارکت یادگیرنده با پیشرفت یادگیرنده مرتبط است.

ت) بازخورد: ارائه اطلاعات به یادگیرندگان به آنها کمک می کند تا پیشرفت شخصی خود را در یادگیری درک کنند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ارزیابی محیط کلاس

علاوه بر ارزیابی محیط کلاس، هفت توصیه برای رفتارهای معلم در رابطه با ایجاد انگیزه در یادگیرندگان برای یادگیری ارائه کردند. این توصیه‌ها شامل اقدامات معلم، ادراکات یادگیرنده و نگرانی‌های محیطی است. برای ایجاد انگیزه در یادگیرندگان برای یادگیری، معلم باید:

(الف) استفاده از تکنیک‌های رفتاری برای کمک به یادگیرندگان برای تلاش و کار در جهت اهداف دور (Berk, 2010).
(ب) مطمئن شوید که یادگیرندگان می‌دانند که چه کاری باید انجام دهند، چگونه ادامه دهند، و چگونه تعیین کنند که چه زمانی به اهداف دست یافته‌اند.

(ب) یادگیرندگان کم دست را تشویق کنید تا موفقیت را به ترکیبی از توانایی و تلاش و شکست را به تلاش ناکافی نسبت دهند.
(پ) یادگیرندگان را تشویق کنید تا با تمجید از فرآیندهایی که برای موفقیت از آنها استفاده می‌کنند، توانایی را به عنوان مجموعه‌ای از مهارت‌های شناختی که می‌توان به آنها اضافه کرد و دوباره تعریف کرد، نه به عنوان یک موجود ثابت که در برابر تغییر مقاوم است، در نظر بگیرند.

(ت) تشویق یادگیرندگان به اتخاذ اهداف یادگیری مناسب،

(ث) به حداکثر رساندن عواملی که برای هر دو مورد علاقه شخصی و موقعیتی جذاب است، و

(ج) سعی کنید با تأکید بر فعالیت، تحقیق، ماجراجویی، تعامل اجتماعی و مفید بودن، یادگیری را جذاب کنید.

یکی از افسانه‌های مرتبط با انگیزه این است که معلمان واقعاً به یادگیرندگان خود انگیزه می‌دهند. برخی معتقدند بهترین کاری که معلمان می‌توانند انجام دهند ایجاد شرایطی برای یادگیری است که تا حد امکان جذاب و محرک باشد و وظایف یادگیری را با توانایی‌ها و علایق یادگیرندگان منطبق کند. وقتی این شرایط ایجاد شد، یادگیرندگان انگیزه پیدا می‌کنند. پس ممکن است این شرایط باشد که انگیزه ایجاد کند و نه معلم. صرف نظر از منبع انگیزه، اینکه یادگیرندگان به دلیل شرایط موجود در محیط کلاس برانگیخته می‌شوند یا توسط معلم در این فرآیند یادگیری و در ایجاد شرایط، انگیزه بخش مهمی از فرآیند یادگیری است.

با توجه به چالش‌های بی‌شماری که امروزه معلمان در مدارس با آن مواجه هستند، کلاس درس متمرکز بر تسلط که بر بهبود مستمر، درک و تلاش تمرکز دارد، بهترین محیط را برای ارتقای انگیزه یادگیرندگان نشان می‌دهد (Eggen et al., 2007). این برخلاف کلاس درس متمرکز بر عملکرد است که بر نمرات بالا، نمایش عمومی توانایی و عملکرد و موفقیت در مقایسه با سایرین تأکید دارد. توجه مهم در این تحلیل بر رابطه بین کلاس درس متمرکز بر تسلط و انگیزه یادگیرنده است.

معلم عامل انگیزه در یادگیرندگان

راهبردها و رفتارهای یادگیری مرتبط با انگیزه یادگیرندگان در یادگیری نیز با توجه به شرایط کلاس درس زیر سازماندهی شده است

۱. کلاس درس باید نسبتاً سازماندهی شده و عاری از وقفه و اختلال مداوم باشد.

۲. معلم باید فردی صبور و حامی باشد که هرگز یادگیرندگان را به دلیل اشتباه کردن آنها شرم‌دهنده نکند.

۳. کار یادگیرنده باید چالش برانگیز، اما معقول باشد (Leiferman, 2008).

۴. وظایف یادگیری یادگیرنده باید معتبر باشد.

این شرایط کلاس درس روشی متمرکز برای در نظر گرفتن رفتارهای معلم به طور خاص در زمینه محیط کلاس و بهبود انگیزه یادگیرندگان فراهم می‌کند. نتیجه مطلوب از پرداختن به این شرایط و نمایش این رفتارهای توصیه شده معلم، کلاسی است که یادگیرندگان در آن انگیزه یادگیری پیدا کنند. از آنجایی که معلم مسئول رفتارهای یادگیری خود است، معلم در انجام این مسئولیت می‌تواند مسئولیت توسعه غنای انگیزشی محیط یادگیری را بر عهده بگیرد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

پس از برآورده شدن این شرایط، تأثیرات بر انگیزه یادگیرندگان برای یادگیری در یک موقعیت خاص را می‌توان در کاوش در پاسخ به چهار سؤال خاص یادگیرنده خلاصه کرد.

الف) آیا می‌توانم در این کار موفق شوم؟ - ایجاد اعتماد به نفس و انتظارات مثبت تشویق نمی‌تواند جایگزین موفقیت واقعی شود. برای اطمینان از پیشرفت واقعی، معلمان باید:

۱. کار را در سطح یادگیرنده شروع کنید و در گام‌های کوچک به جلو بروید،
۲. مطمئن شوید که اهداف یادگیری واضح، مشخص و امکان‌دستیابی به آنها در آینده نزدیک است.
۳. بر مقایسه خود و عدم مقایسه با دیگران تأکید کنید.
۴. به یادگیرندگان اطلاع دهید که توانایی تحصیلی قابل ارتقا است و
۵. الگوی حل مسئله خوب.

ب) آیا می‌خواهم موفق شوم؟ - دیدن ارزش در یادگیری

معلمان ممکن است از راهبردهای انگیزش درونی و بیرونی استفاده کنند تا به یادگیرندگان کمک کنند تا ارزش تکلیف یادگیری را ببینند. معلمان باید وظیفه یادگیری را با نیازها و علایق یادگیرندگان پیوند دهند تا دستاورد یا ارزش ذاتی خود را ایجاد کنند. استراتژی‌های انجام این کار عبارتند از:

۱. گره زدن فعالیت‌های کلاس به علایق یادگیرندگان،
۲. برانگیختن کنجکاوی،
۳. کار یادگیری را سرگرم‌کننده و لذت‌بخش کنید و
۴. از تازگی و آشنایی استفاده کنید.

وقتی به یادگیرنده کمک می‌کنند تا رسیدن به یک تکلیف را تا حد امکان ببینند یا زمانی که ارزش ذاتی به‌ویژه دشوار به نظر می‌رسد، ممکن است معلمان نیاز داشته باشند که بر استفاده از ارزش ابزاری تکلیف تکیه کنند، یعنی نشان دادن نیاز به تسلط بر کار. مثلاً:

- (۱) هنگامی که ارتباطات برای یادگیرندگان واضح نیست که بتوانند خودشان را پیدا کنند، ارتباطات را برای آنها توضیح دهید.
- (۲) در برخی موقعیت‌ها، انگیزه‌ها و پاداش‌هایی را برای یادگیری فراهم کنید،
- (۳) از مشکلات ساختار نادرست و وظایف معتبر مانند ارتباط مشکلات در مدرسه به مشکلات واقعی خارج از مدرسه استفاده کنید.

پ) برای موفقیت چه کاری باید انجام دهم؟ - متمرکز ماندن بر روی کار.

اگر یادگیرندگان در سطح چالش‌برانگیزی کار می‌کنند، هر از گاهی با مشکلاتی روبه‌رو می‌شوند. هنگامی که این اتفاق می‌افتد، برای موفقیت به دنبال آن مهم است که آنها تمرکز خود را به طور مستقیم بر روی کار یادگیری حفظ کنند. استراتژی‌های مفید برای کمک به یادگیرندگان در حفظ توجه خود به تکلیف ممکن است شامل موارد زیر باشد:

۱. به یادگیرندگان فرصت‌های مکرر برای پاسخ دادن بدهید،
۲. در صورت امکان، از یادگیرندگان بخواهید یک محصول نهایی ایجاد کنند،
۳. از تأکید زیاد بر نمرات و رقابت خودداری کنید،
۴. کاهش ریسک کار بدون ساده‌سازی بیش از حد،
۵. الگوی انگیزه یادگیری و

۶. راهبردهای یادگیری خاصی که یادگیرنده برای تسلط بر مطالب به آن نیاز دارد را یادگیری دهید (Walker et al., 2003).
ت) آیا من تعلق دارم؟ - احساس اتصال به محیط و ایمن بودن در آن هیچ فردی در محیطی که به جای راحتی با ناراحتی مشخص می‌شود و به جای دعوت به داخل آن را کنار می‌زند، بهترین کار را انجام نمی‌دهد. این به ویژه برای یادگیرندگان در



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کلاس های درس صادق است. اگر پاسخ یادگیرنده به این سوال، آیا من تعلق دارم؟ خیر، ممکن است معلم در ایجاد انگیزه در یادگیرنده برای موفقیت در بالاترین سطح خود با مشکل جدی مواجه شود. کیفیت جامعه یادگیری که در کلاس درس ایجاد شده است برای هر یادگیرنده‌ی برای موفقیت در حداکثر پتانسیل خود حیاتی است و ایجاد یک جامعه یادگیری مناسب هم چالش و هم مسئولیت معلم است. نکاتی که در پرداختن به این چالش و انجام این مسئولیت باید در نظر گرفته شود شامل:

۱. اقتدار را بدون سختگیری یا خشن بودن حفظ کنید،
 ۲. اصول را به شیوه ای منصفانه و منسجم اعمال کنید.
 ۳. ایجاد یک کلاس درس معتبر، یعنی کلاسی که محیط را به فرهنگ یادگیرنده پیوند می دهد،
 ۴. مطمئن شوید که هر یادگیرنده‌ی درگیر کاری است که به نظر او ارزشمند است،
 ۵. اطمینان حاصل کنید که هر یادگیرنده راهی معنادار برای ایجاد نوعی ارتباط مثبت با کلاس درس و فعالیت هایی که در آنجا انجام می شود، دارد،
 ۶. محیطی ایجاد کنید که در آن یادگیرندگان بتوانند انتخاب کنند و اطمینان حاصل کنند که این انتخاب ها منجر به چیزی می شود که یادگیرنده آن را مثبت می بیند (Leiferman, 2008).
- علاوه بر تحلیل کلاس درس و راهبردهای تدریس معلم، دلیل انگیزه ضعیف یادگیرنده را گاهی می توان در مشکلاتی در رابطه بین معلم و یادگیرنده جستجو کرد. رابطه مثبت یادگیرنده با معلم، تا حدی بر این تصور است که یادگیرنده در مورد اینکه آیا معلم واقعاً به او اهمیت می دهد یا نه، بستگی دارد. یادگیرندگانی که قرار است شکست بخورند، و در بسیاری از موارد مقدر شده است که بی انگیزه باشند، اغلب بر این باورند که هیچ کس (در این مورد معلمانشان) به آنها به عنوان فردی اهمیت نمی دهند. این باور اغلب بر اساس تحلیل خودشان از رفتارهای معلمی است که مشاهده می کنند. محیط کلاس باید حساسیت را از طریق روابط بین فردی مثبت منعکس کند. یک نظرسنجی توسط انجمن نظارت و توسعه برنامه درسی این سوال را مطرح کرد که موثرترین راه برای ایمن و ایمن بودن مدارس چیست؟، با سه پاسخ برتر: (۱) ارتباط هر یادگیرنده با یک بزرگسال دلسوز، (۲) اطمینان حاصل کنید که کارکنان مدرسه بر احترام متقابل تأکید می کنند و الگو می گیرند، و (۳) با گوش دادن به بچه ها هویت/جامعه را تقویت می کنند. برقراری این سه ویژگی در مدارس نه تنها به ایجاد مدارس ایمن تر کمک می کند، بلکه به ایجاد فضای یادگیری آرام تر در کلاس کمک می کند تا یادگیرندگان فرصت های بیشتری برای موفقیت را تجربه کنند. این به ایجاد اعتماد به نفس در یادگیرندگان کمک می کند و آنها را از نظر عاطفی مجهز و آماده می کند تا فعالانه در فرآیند یادگیری شرکت کنند. یک توضیح خوب از رابطه بین انگیزه، مدیریت و موفقیت یادگیرنده این است که معلمان زمانی موفقیت را قطعی می کنند که شکست را غیرممکن کنند. معلمان زمانی می توانند به موفقیت یادگیرندگان کمک کنند که از نقاط قوت، ضعف های یادگیرندگان، علاقه مندی ها و مواردی که به آنها علاقه مند نیستند و زمانی که رابطه مثبتی با آنها برقرار کنند، بدانند. سه اصل بدیهی که در ادامه می آید به عنوان راهنمایی برای تضمین چنین موفقیت یادگیرنده‌ی توصیه می شود.

۱. یادگیرندگانی که احساس موفقیت می کنند به ندرت مشکل رفتاری دارند.
۲. یادگیرندگان برای احساس موفقیت باید در واقع موفق باشند.
۳. برای موفقیت واقعی، یادگیرندگان ابتدا باید کاری ارزشمند انجام دهند.

معلم به عنوان یک مدیر

ساده لوحانه خواهد بود که بگوییم اگر معلمی یک برنامه مدیریت کلاس داشته باشد، این امر به خودی خود تضمین می کند که هیچ مشکلی در رفتار یادگیرنده وجود نخواهد داشت. چنین تضمینی امکان پذیر نیست. با این وجود، معلمان می توانند محیط یادگیری را به گونه ای ایجاد و مدیریت کنند که احتمال بروز مشکلات ناشی از رفتار نادرست یادگیرندگان را تا حد



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زیادی کاهش دهند. برای انجام این کار، معلمان باید بتوانند ابتدا برنامه های مدون برای مدیریت کلاس های درس خود را توسعه دهند و سپس اجرا کنند. اثربخشی چنین طرح‌هایی و اجرای آنها تا حد زیادی به درک معلم از ویژگی‌های محیط‌های یادگیری مثبت و داشتن مهارت‌های لازم برای ایجاد آنها بستگی دارد. هرچه درک بهتری از محیط‌های یادگیری مثبت داشته باشید، مهارت‌های معلمان برای استقرار آنها در کلاس‌های درسشان بهتر خواهد بود. مدیریت کلاس درس از نظر تاریخی عمدتاً به عنوان کنترل یادگیرندگان و وادار کردن آنها به پاسخگویی به خواسته‌ها، نیازها و اهداف معلمان تلقی شده است برای بسیاری از معلمان، کنترل رفتار یادگیرندگان هنوز پایه اولیه مدیریت خوب کلاس درس است. اگرچه این دیدگاه ممکن است در برخی شرایط رایج باشد، اما پایه و اساس مناسبی برای ایجاد یک محیط یادگیری مثبت نیست. به جای تمرکز بر کنترل محیط و یادگیرندگان، معلمان باید بر ارتقای هدف یادگیرندگان برای توسعه ظرفیت خود برای خودتنظیمی تمرکز کنند. خودتنظیمی فرآیند استفاده از افکار و اعمال خود برای رسیدن به اهداف یادگیری تحصیلی و کنترل رفتارهای خود است. خودتنظیمی شامل مسئولیت یادگیری خود برای شناسایی اهداف، توسعه راهبردهایی برای رسیدن به آنها و نظارت بر پیشرفت در جهت دستیابی به آنهاست. خودتنظیمی برای اکثر یادگیرندگان در طول زمان بهبود می‌یابد، اگرچه در کلاس‌های اولیه، دختران ممکن است در خودتنظیمی بهتر از پسران باشند. خودتنظیمی توسط دو فرآیند اجتماعی تنظیم مشترک و تنظیم مشترک پشتیبانی می‌شود. هم‌تنظیمی مرحله‌ای انتقالی است که در آن یادگیرندگان به تدریج یادگیری و مهارت‌های خودتنظیمی را از طریق فعالیت‌هایی مانند الگوسازی، یادگیری مستقیم و مربیگری از معلمان، والدین یا همسالان توسعه می‌دهند. مقررات مشترک زمانی اتفاق می‌افتد که یادگیرندگان با هم کار می‌کنند تا یکدیگر را از طریق فعالیت‌هایی مانند یادآوری، تذکرات و راهنمایی‌های دیگر تنظیم کنند (آقا سید آقا، ۱۳۹۸).

یادگیرندگان نباید به روش‌های خاصی رفتار کنند یا صرفاً به عنوان پاسخی به سیستم کنترلی که معلم ایجاد کرده است تنظیم شوند. با تقویت پیچیدگی و ماهیت چند وجهی آن، مدیریت کلاس درس باید به عنوان یک گشتالت، وابسته به چندین مؤلفه وابسته به هم، مانند معلم: (۱) توسعه یک برنامه درسی جذاب؛ (۲) کار با خشم، فرافکنی و افسردگی. (۳) هدایت یادگیرندگان و رفتار با یادگیرندگان به‌عنوان شهروندانی مسئول. (۴) خدمت به عنوان یک الگوی خودشناسی؛ (۵) استفاده از مهارت‌های مدیریت کلاس درس موثر. (۶) کار با مقاومت، درگیری و استرس؛ و (۷) ارائه دستورالعمل قوی بر اساس یک پایه. کیفیت روابط معلم و یادگیرنده در کلاس درس کلید تمام جنبه‌های دیگر مدیریت کلاس است (مارزانو و مارزانو، ۲۰۰۳). اگرچه برخی ممکن است پایه و اساس روابط معلم و یادگیرنده را دیدگاه یادگیرنده نسبت به معلم به عنوان یک شخص بدانند (مثلاً دوست، فرد خوب، اجتماعی)، مؤثرترین روابط معلم و یادگیرنده با رفتارهای خاص معلم مانند نمایش دادن مشخص می‌شود. سطوح مناسب تسلط، نشان دادن سطوح مناسب همکاری و آگاهی و کار مناسب با یادگیرندگان با نیازهای بالا. مؤثرترین مدیران کلاس با همه یادگیرندگان یکسان رفتار نمی‌کنند، بلکه با همه یادگیرندگان منصفانه رفتار می‌کنند و تمایل دارند از استراتژی‌های متفاوتی با انواع مختلف یادگیرندگان استفاده کنند. مدیران کارآمد از آنچه که موقعیت می‌خواهد استفاده می‌کنند، در حالی که یادگیرنده و نیازهای یادگیرنده را در نظر می‌گیرند.

با در نظر گرفتن محیط کلاس با توجه به مدیریت رفتار یادگیرندگان، معلمان باید در کار خود فعال باشند و بتوانند انتظاراتی را که از یادگیرندگان خود دارند به وضوح تعریف و انتقال دهند. اهمیت وضوح و ثبات در انتقال اصول و انتظارات به یادگیرندگان قابل اغراق نیست. اگر یادگیرندگان ندانند معلمان از آنها چه انتظاری دارند، دلیل کمی وجود دارد که باور کنیم در نشان دادن آن رفتارهایی که معلمانشان می‌خواهند ثابت قدم باشند.

اصول به روشن شدن انتظاراتی که معلمان از یادگیرندگان خود دارند کمک می‌کند و بیان روشن حتی چند قانون مهم رفتاری می‌تواند به پیشگیری از بسیاری از مشکلات رفتاری یادگیرندگان کمک کند. دستورالعمل‌های زیر برای کمک به معلمان در شناسایی و فهرست کردن اصول کلاس درس در اینجا گنجانده شده است (Emmer and Evertson, 2016).

الف) لیست را در اولین جلسات کلاس ایجاد کنید.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

(ب) لیست را کوتاه نگه دارید.
(پ) هر قانون را ساده و به زبانی که یادگیرنده می تواند بفهمد بیان کنید.
(ت) فقط آن دسته از اصولی را که ضروری تلقی می شوند را شامل کنید و آماده باشید که چرا به هر قانون نیاز است توضیح دهید.
(ث) یادگیرندگان را در تنظیم اصول مشارکت دهید.
(ج) تمرکز بر رفتار یادگیرندگان مورد نیاز برای رسیدن به اهداف درس.
(چ) عواقب نقض اصول را بیان کنید تا یادگیرندگان بدانند در صورت نقض اصول چه اتفاقی خواهد افتاد.
(ح) برای پیروی از اصول، پاداش را اعلام کنید.
معمولاً پذیرفته شده است که ویژگی های یک کلاس درس با مدیریت خوب باید توسط یادگیرندگان و معلمان درک و/یا توافق شود و درک آن پیچیده نباشد (Van and Davis, 2006). سادگی در ویژگی های کلاس درس از ویژگی های مثبت معلم و محیط است. ویژگی های زیر یک کلاس درس با مدیریت خوب را در نظر بگیرید:
الف) یادگیرندگان عمیقاً با کار خود درگیر هستند، به ویژه با یادگیری آکادمیک و معلم،
ب) یادگیرندگان می دانند که از آنها چه انتظاری می رود و به طور کلی موفق هستند،
پ) زمان تلف شده، سردرگمی یا اختلال نسبتاً کمی وجود دارد و
ت) آب و هوای کلاس کار محور اما آرام و دلپذیر است.
کلاس درس که به خوبی مدیریت می شود از نظر فیزیکی برای تسهیل کار مولد و دارای جو مثبتی است. یادگیرندگان در حال انجام وظیفه، همکاری و احترام به یکدیگر هستند. همه این ویژگی ها در حیطه کنترل معلم است و باید در اوایل سال تحصیلی ایجاد شود (Ratcliff et al., 2012).
در حالی که بسیاری از اصول مختلف ممکن است، فهرست طولانی از اصول توصیه نمی شود و برای اطمینان از یک کلاس درس سازماندهی شده و مدیریت شده ضروری نیست. مجموعه ای از پنج یا شش قانون به طور معمول برای پوشش دادن بیشتر زمینه های مهم رفتار کلاس کافی است (Emmer and Evertson, 2016). اصول کلی زیر که بسیاری از رفتارهای کلاس را در بر می گیرد، نمونه کلاس های درس با مدیریت خوب است.

بحث و نتیجه گیری

رابطه مثبت یادگیرنده با معلم، تا حدی بر این تصور است که یادگیرنده در مورد اینکه آیا معلم واقعاً به او اهمیت می دهد یا نه، بستگی دارد. مشکلات انگیزش یادگیرنده و مدیریت کلاس باید با هم در نظر گرفته شوند نه اینکه به عنوان مسائل مجزا و جدا از هم باشند. مفهوم نظم و انضباط نیز بدین گونه تعریف می شود که مانند چیزی است که معلم به آن مشغول است، زمانی که تلاش در مدیریت و انگیزه موفقیت آمیز نبوده است. هیچ خلبانی بدون برنامه پرواز فرودگاه را ترک نمی کند و مربی بدون برنامه بازی وارد مسابقات ورزشی نمی شود. به همین ترتیب، هیچ معلمی نباید بدون داشتن برنامه ای برای یادگیری، ایجاد انگیزه، مدیریت و برخورد با موقعیت های مشکل یادگیرنده وارد کلاس شود. معلمان باید با داشتن برنامه های اندیشیده شده برای یادگیری، مدیریت و انگیزه به خوبی آماده شوند. معلمان همچنین باید برنامه های انضباطی داشته باشند و در صورت بروز مشکلات رفتاری یادگیرندگان در استفاده از آنها راحت و مطمئن باشند. لزوم تصمیم گیرنده منطقی یا تمرین کننده فکری معلم در پرداختن به مشکلات انگیزش یادگیرنده و مدیریت کلاس تأکید کرد. الگوی تأمل و تحقیق برای راهنمایی معلم در فرآیند تصمیم گیری معرفی شد. بدون رویکرد منطقی در تصمیم گیری و مدیریت مناسب، معلم قادر نخواهد بود کلاسی را با مدیریت خود کنترل کرده و یادگیرندگان با انگیزه ایجاد کند و همانگونه که هستند حفظ کند (Burden, 2020).



منابع

۱. آقا سید اقا، معصومه سادات، مرادی، شعبانی و حسن. (۱۳۹۸). نقش آموزش فیزیک با رویکرد درس پژوهی بر یادگیری خودتنظیمی معلمان و ادراک حل مسئله دانش آموزان پایه دهم هنرستان ها. تدریس پژوهی، 7(1)، 109-132.
2. Alderman, M. K. (2013). *Motivation for achievement: Possibilities for teaching and learning*. Routledge.
3. Burden, P. R. (2020). *Classroom management: Creating a successful K-12 learning community*. John Wiley & Sons.
4. Berk, L. E. (2010). Development through the lifespan (463-497).
5. Brophy, J. (2004). *Motivating students to learn*. Routledge.
6. Eggen, P. D., Kauchak, D. P., & Garry, S. (2007). *Educational psychology: Windows on classrooms* (pp. 200-222). Pearson/Merrill/Prentice Hall.
7. Emmer, E. T., & Evertson, C. M. (2016). *Classroom management for middle and high school teachers*. Pearson.
8. Kohn, A. (2011). *Feel-bad education: And other contrarian essays on children and schooling*. Beacon Press.
9. Leiferman, M. M. (2008). Bullying in America's middle schools: identifying factors that affect school environment.
10. Van Cleave, J., & Davis, M. M. (2006). Bullying and peer victimization among children with special health care needs. *Pediatrics*, 118(4), e1212-e1219.
11. Ratcliff, N. J., Jones, C. R., Costner, R. H., Knight, C., Disney, G., Savage-Davis, E., ... & Hunt, G. H. (2012). No need to wait for Superman: A case study of one unique high school. *Journal for the Education of the Gifted*, 35(4), 391-411.
12. Walker, H. M., Ramsey, E., & Gresham, F. M. (2003). Heading off disruptive behavior: How early intervention can reduce defiant behavior—and win back teaching time. *American Educator*, 26(4), 6-45.